



سیمای امام سجاد

محمد میانجی

سیمای امام سجاد علیه السلام^۱

ویژگیهای امام سجاد علیه السلام را می توان در دو بخش مطالعه کرد؛ ویژگیهای مرتبط با امامت (علم، عصمت، معجزه) و ویژگیهای شخصی آن حضرت که خود در دو بخش (ارتباط با خداوند، ارتباط با مردم و خود) قابل مطالعه است.

ویژگیهای مرتبط با امامت

۱. علم

امام سجاد علیه السلام همچون دیگر ائمه و رسولان الهی برخوردار از علم غیب

۱. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۶۹ (الامامة)، به نقل از نوادر راوندی، ج ۳، ص ۱۹۳.

بی گمان شرط اول پیشوا قرار دادن اهل بیت علیهم السلام، شناخت ویژگیهای آنان و تأسی به آنهاست؛ صفات برتری که پیروان را به سوی قله کمال راه می نماید، وجود انسان را با انوار الهی، طاهر می سازد و شایستگی هدایت پذیری و وصول به قرب الهی را فراهم می آورد. بر این اساس، اینک که در آستانه شهادت امام زین العالدین علیه السلام قرار گرفته ایم، از چشمه سار ویژگیها و شخصیت آسمانی آن حضرت جرعه هایی می نوشیم، تا پیرویمان با معرفت آغشته گردد.

محو و تثبیت می‌کند و ام‌الکتاب نزد اوست.»

آن حضرت زمانی هم که شخصی بر سر مسئله‌ای فقهی با وی به جدل پرداخت فرمود: «اگر به خانه ما درآی، ردپای جبرئیل را به تو نشان خواهیم داد. آیا کسی هست که از ما به سنت آگاه‌تر باشد.»^۳

نمونه‌ای از علم غیب آن حضرت را می‌توان در برخوردش با عبدالملک بن مروان یافت. حجاج بن یوسف به عبدالملک نوشت: «اگر می‌خواهی بنیان حکومت خودت را استوار سازی، لازم است علی بن الحسین علیه السلام را به قتل برسانی.»

عبدالملک هم در جواب او نوشت: «از ریختن خون بنی‌هاشم خودداری کن؛ زیرا سلطنت آل ابوسفیان به واسطه کشتن بنی‌هاشم چندان پایدار نماند.» عبدالملک نامه را مخفیانه به حجاج فرستاد، ولی چند

بود و با این فضیلت الهی و ظایف امامت را انجام می‌داد. علم غیب به دو گونه است:

۱. مطلق؛ که مختص خداوند است. «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ»؛^۱ آگاه به غیب و شهود است و حکیم و داناست.»

۲. نسبی؛ که به اذن الهی در اختیار انبیا و امامان قرار دارد؛ علمی که محدود، وابسته به علم الهی، و بالقوه است، برخلاف علم غیب مطلق خدا که نامحدود، مستقل و فعلی است و در هیچ شرایطی، چیزی از او پنهان نمی‌ماند.

بر این اساس راوی می‌گوید: امام زین‌العابدین علیه السلام می‌فرمود: «لَوْلَا آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَحَدَّثْتُكُمْ بِمَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ لَهُ يَا زَيْنَ رَسُولَ اللَّهِ آيَةُ أَيِّ؟ قَالَ: قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»؛^۲ اگر یک آیه در قرآن نبود، شمارا به آنچه بود و خواهد بود تا روز قیامت، خبر می‌دادم. [راوی می‌گوید:] به او گفتم: ای پسر رسول خدا! آن کدام آیه است؟ فرمود: سخن خداوند تعالی [که فرمود: «هر چه را خدا بخواهد

۱. انعام/۷۳.

۲. تفسیر نورالقلین.

۳. زندگانی امام زین‌العابدین، عبدالرزاق مفرم، ص ۴۳۵، به نقل از فصول المختاره، ج ۱، ص ۷.

لَا يَكُونُ إِلَّا مَغْضُومًا وَآيَسَّتِ الْعِصْمَةُ فِي ظَاهِرِ
الْخَلْقَةِ فَيُعْرِفُ بِهَا فَلِذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا
مَنْصُوصًا. فَقِيلَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى
الْمَغْضُومِ؟ فَقَالَ: هُوَ الْمُعْتَصِمُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَحَبْلِ
اللَّهِ هُوَ الْقُرْآنُ لَا يَفْتَرِقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْإِمَامُ
يَهْدِي إِلَى الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يَهْدِي إِلَى الْإِمَامِ وَ
ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي
لِئْتِي هِيَ آقُومٌ﴾^۱؛ امام از ما، حتماً معصوم
است و عصمت چیزی نیست که در
ظاهر خلقت معلوم باشد تا با خلقت
شناخته شود. به این جهت، امام را جز
از راه نص نمی توان تعیین کرد. سؤال
شد: ای فرزند رسول خدا! پس معنای
معصوم چیست؟ فرمود: معصوم کسی
است که به ریسمان الهی تمسک جوید
و ریسمان الهی قرآن است. [امام و
قرآن] تا قیامت از هم جدا نمی شوند.
امام [مردم را] به قرآن و قرآن به امام
هدایت می کند و [شاهدش] این سخن
خداوند است که «این قرآن [مردم را]
به راهی که پایدارتر است، هدایت
می کند.»

۱. اثبات الهداة، ج ۵، ص ۲۳۵.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۸۹.

۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۹۴.

روز بعد نامه ای از امام سجاد علیه السلام
دریافت کرد که در آن نوشته بود: «از آن
نامه ای که درباره حفظ خون بنی هاشم
به حجاج نوشته بودی اطلاع یافتیم...»
وقتی عبدالملک نامه را خواند،
دید تاریخ آن با تاریخ نامه ای که برای
حجاج نوشته است مطابقت دارد.^۱
ناگفته نماند که علاوه بر امور
غیبی که آگاهی از آن برای هدایت
سکان امامت ضروری است، آن امام از
علوم معمول نیز آگاهی کامل داشت؛ تا
آنجا که زُهری، از علمای درباری
عبدالملک، می گوید: «مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ
أَفْقَهُ مِثْلَهُ؛^۲ کسی را فقیه تر از او (امام
سجاد علیه السلام) ندیدم.»

۲. عصمت

بی گمان سکان هدایت بشر باید
در دست کسانی قرار گیرد که خود از
هر گونه آلودگی به دور هستند. شیعیان
کسی را به امامت می پذیرند که مصداق
﴿يَذْهَبُ عَنْكُمُ الرِّجْسُ﴾، و از هر گناه و
آلودگی به دور باشد. یک پرسش و
پاسخ از محضر امام سجاد علیه السلام می تواند
موضوع را به کلی روشن سازد:

امام سجاد علیه السلام فرمودند: «الْإِمَامُ مِنَّا

مناجات آن حضرت در روز عرفه نیز شنیدنی است، آنجا که می فرماید: «وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدْنِيهِ مِنْ حُشِّيَتِكَ وَتَقْطَعَنِي عَنْ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ وَتَمُكِّنِي مِنْ أَنْسْرِ الْعِظَائِمِ وَهَبْ لِي التَّطَهُّرَ مِنْ ذَنْبِ الْعِضْيَانِ؛^۱ عصمتی به من ببخش که مرا به ترس از تو نزدیک سازد و از انجام محارم تو باز دارد و از اسارت گناهان بزرگ آزاد سازد، و پاکی از آلودگی گناه را به من ببخش.»

۳. معجزات

معجزه کار خارق العاده ای است که از راهی غیر از راه علل طبیعی و عادی ایجاد می شود و هدف از آن تحدی است. مانند اینکه پیامبر یا امام برای اثبات رسالت و امامت خود کاری خارق العاده انجام دهد و آن را نشانه امامت یا رسالت خود بدانند. در قرآن کریم معجزات گاه به خود پیامبران^۲ و گاه به خداوند نسبت داده شده است.^۳

ازدها شدن عصای حضرت موسی علیه السلام^۴، ید بیضای آن حضرت،^۵ سخن گفتن عیسی علیه السلام در کودکی^۶ و...، همگی ثابت می کنند که معجزه امری

قابل وقوع است.

اینک نمونه ای از معجزات امام سجاده علیه السلام را نقل می کنیم:

ابو خالد کابلی سالها به امامت محمد حنفیه معتقد بود تا اینکه از طریق یحیی بن ام طویل توانست به حضور امام سجاده علیه السلام برسد. در ملاقات دوم وی، امام سجاده علیه السلام فرمود: «اگر می خواهی مقام خودم را در بهشت هم اکنون به تو نشان می دهم.» امام دستش را به چشمان ابو خالد کشید و او خود را در بهشت و کاخها و رودخانه های آن دید. تا آنکه حضرت بار دیگر دست به چشمان او کشید و او خود را یک مرتبه روبه روی حضرت دید.^۷

۱. صحیفه سجاده، دعای ۴۷.

۲. آل عمران/۴۹؛ مائده/۱۱۰؛ اعراف/۱۰۸.

۳. اعراف/۱۶۰.

۴. اعراف/۱۱۷ و ۱۰۷.

۵. نمل/۱۲.

۶. مریم/۳۰.

۷. زندگانی امام زین العابدین، مفرم، ص ۸۶ به نقل از: دلائل الامامة، ص ۹۱. نظیر نشان دادن بهشت و جایگاه آخرت را می توان در مورد امام حسین علیه السلام که جایگاه بهشتی را به یارانش نشان داد، یا امام هادی علیه السلام که به صالح بن سعید نشان

وی سرانجام در سایه این توجّهات حضرت، توفیق پیروی از امام حق را یافت.^۱

ویژگیهای امام علیه السلام، در ارتباط با خدا

۱. شاکر بودن

ابوحزمه شمالی می گوید: امام زین العابدین علیه السلام هرگاه غذا میل می کرد، می فرمود: اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ که به ما غذا داد و ما را سیراب کرد و ما را کفایت فرمود و به ما کمک نمود و ما را پناه داد و نعمت عطا فرمود و فضیلت بخشید. ستایش خدایی را که همگان را اطعام می دهد و کسی او را اطعام نمی کند.^۲

آن حضرت می فرمود: «لَقَدْ اسْتَرَقَك بِالْوُدِّ مِنْ سَبَقِكَ بِالشُّكْرِ»^۳ هر که زودتر شکر و سپاس [نعمت] تو را به جا آورد، با دوستی [و محبت] خود، تو را برده خویش کرده است.»

۲. عشق به قرآن

آن حضرت می فرمود: «لَوْ مَا تَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحِشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي»^۴ اگر آنچه بین مشرق و مغرب است از میان برود، پس از آنکه قرآن با من باشد، بیمی به خود

راه نمی دهم.»

امام سجاده علیه السلام از خوش صداترین افراد بود و ممکن نبود کسی صدای قرآن خواندن او را بشنود و تحت تأثیر قرار نگیرد؛ لذا مورخان گفته اند: سقاهایی که از در خانه امام می گذشتند، می ایستادند تا صدای امام را بشنوند.^۵ آن حضرت می فرمود: «آيَاتُ الْقُرْآنِ حَزَائِنٌ، كُلَّمَا فَتِحَتْ حَزَائِنُهُ يَتَّبِعِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا» آیات قرآن گنجینه هایی اند، هر وقت گنجینه ای گشوده شود، شایسته است که به دقت در آن بنگری.»

برای همین، حضرت در نماز عبارت «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را آن قدر تکرار می کرد که نزدیک بود جان از جسمش جدا شود.^۶

امام زین العابدین علیه السلام در بخشی از

داد، یا رفتار حضرت موسی علیه السلام که مقامات بهشتی ساحرائی را که به او ایمان آوردند، به آنان نشان داد.

۱. مدینه المعاجز، ص ۳۱۸.

۲. محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۶.

۳. نهاية الارب فی فنون الادب، ج ۲۱، ص ۳۳۱.

۴. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۱۰۷.

۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۶.

۶. تحلیلی از زندگانی امام سجاده علیه السلام، باقر

شریف قرشی، ص ۵؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۶۰۲.

می‌برند و در زیر بال قرآن به آرامش می‌رسند و به وسیله نور صبحگاهی آن هدایت می‌شوند.»

۳. مستجاب الدعوه بودن

امام سجاده علیه السلام از آن روی که محبوب الهی بود، مقام والای مستجاب الدعوه بودن را هم داشت.

ثابت بنانی نقل می‌کند: من و گروهی از عبادت‌گران بصره (ایوب سجستانی، صالح مری، عتبه الغلام، حبیب فارسی و مالک بن دینار) به حج رفتیم و دیدیم مردم از شدت تشنگی و بی‌آبی در مضیقه و فشارند. آنان به ما

متوسل شدند و ما به سوی کعبه رفتیم و پس از طواف، با تضرع از خدا تقاضای باران کردیم، اما دعای ما پذیرفته نشد. در همین بین جوانی که اندوه و ناراحتی در چهره‌اش پیدا بود، آمد و بعد از طواف، رو به ما کرد و گفت: مالک بن دینار و...! گفتیم: بله! گفت: یک نفر از شما را خدا دوست ندارد؟! گفتیم: ما دعا کردیم، اجابت با اوست!

۱. صحیفه سجاده، دعای ۴۱.

بزرگ‌ترین حق خدا این است که او را عبادت کنی و چیزی را با او شریک قرار ندهی. پس اگر این کار را با اخلاص انجام دادی، خدا بر خود لازم می‌کند کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند

دعای بسیار طولانی ختم قرآن خود، بارها این عشق و دلدادگی‌اش را آشکار می‌سازد. از جمله عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ مَن يَفْتَصِحُّ بِحَبْلِهِ وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِرْزِ مَعْقِلِهِ وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ»^۱

خداوندا! بر محمد و آل او درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که به ریسمان [محکم] قرآن چنگ می‌زنند و در [درک معانی] متشابهاات به پناهگاه محکم محکومات قرآن پناه

شریک قرار ندهی. پس اگر این کار را با اخلاص انجام دادی، خدا بر خود لازم می‌کند کار دنیا و آخرت تو را کفایت کند و هر چه از دنیا و آخرت بخواهی، برایت پاس دارد.»

آن حضرت درباره حق نماز نیز می‌فرمود: «فَأَمَّا حَقُّ الصَّلَاةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا وَفَادَةٌ إِلَى اللَّهِ وَأَنَّكَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الدَّلِيلِ الرَّغِيبِ الرَّاهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمُسْكِنِ الْمُتَضَرِّعِ»^۳

حق نماز آن است که بدانی نماز شرفیابی به درگاه الهی است و تو به وسیله نماز در مقابل خدا ایستاده‌ای. پس هر گاه آن را دانستی، سزاوار خواهی بود که مثل بنده‌ای ذلیل، مشتاق، ترسناک و بیمناک [از عذاب خدا]، امیدوار [به رحمت او]، محتاج، و نالان، در برابر او بایستی.»

امام سجاده علیه السلام درباره درجات عبادت می‌فرمود: «من از خدا کراهت

او به سوی کعبه رفت و در آنجا به سجده افتاد. در سجده می‌گفت: خدایا تو را به علاقه‌ای که به من داری، اینها را از باران سیراب کن. هنوز دعایش تمام نشده بود که باران همچون دهانه مشک باریدن گرفت.

گفتم: جوان! از کجا فهمیدی خدا تو را دوست دارد؟ گفت: اگر دوست نداشت، به خانه‌اش دعوت نمی‌کرد. حال که دعوت کرده، فهمیدم مرا دوست دارد؛ لذا او را به علاقه‌اش به خودم قسم دادم.

آن جوان از پیش ما رفت... از مردم مکه پرسیدم این جوان که بود؟ گفتند: علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام بود.^۱

۴. عبادت

امام سجاده علیه السلام عبادت را بزرگترین حق خدا بر گردن انسان می‌دانست و می‌فرمود: «فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرِ فَأَنَّكَ تَعْبُدُهُ، لِأَشْرَافِكَ بِهِ سَيْنًا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهُمَا»^۲

بزرگ‌ترین حق خدا این است که او را عبادت کنی و چیزی را با او

۱. بحار الانوار، ج ۱۱ (ترجمه زندگی امام

سجاده علیه السلام و امام باقر علیه السلام)، ص ۳۸.

۲. تحف العقول، ص ۱۸۴ به بعد.

۳. همان.

از شب زنده داری رنگش زرد، و از گریه چشمانش سرخ، و از سجده پیشانی اش برجسته، و از ایستادن در نماز پاهایش دچار

ورم شده بود.

رنگش زرد، و از گریه چشمانش سرخ،
و از سجده پیشانی اش برجسته، و از
ایستادن در نماز پاهایش دچار ورم
شده بود.^۱
دیگر ویژگیهای امام سجاده علیه السلام را
در بخش بعدی این مقاله تبیین
خواهیم کرد.

ادامه دارد....

دارم که او را تنها به خاطر پاداش
عبادت کنم، تا مانند بنده طمعکار باشم
که هر وقت طمع ثواب داشت، عبادت
کند و گرنه عبادت نکند. و کراهت دارم
که از ترس عذابش عبادت کنم، تا مانند
بنده بدی باشم که اگر نترسید کاری
نمی‌کند. سؤال شد: پس به چه منظور
خدا را می‌پرستی؟ فرمود: «برای اینکه
او با کرامتها و نعمتهایش شایسته
عبادت است.»^۱

در مقام عمل نیز امام سجاده علیه السلام
عابدترین فرد روزگار بود. تا آنجا که
مالک بن انس درباره آن حضرت
می‌گفت: به من خبر رسیده که علی بن
الحسین علیه السلام هر شب و روز هزار
رکعت نماز می‌خواند.^۲ و ابن ابی
الحدید می‌گفت: «كَانَ الْغَايَةَ فِي الْعِبَادَةِ»^۳
نهایت در عبادت کردن بود. برای
همین، او به زین العابدین مشهور شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرمود: «بَلَغَ مِنَ
الْعِبَادَةِ مَا لَمْ يَبْلُغْهُ أَحَدٌ وَقَدْ اضْفَرَّ لَوْنُهُ مِنَ
السَّهْرِ وَرَمَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَدَبَّرَتْ جَبْهَتَهُ
مِنَ السُّجُودِ وَوَزَمَتْ قَدَمَاهُ مِنَ الْقِيَامِ فِي
الصَّلَاةِ»^۴ از عبادت به جایی رسیده بود
که کسی نرسیده بود. از شب زنده داری

۱. تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۳۲.

۲. تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۳۹۰.

۳. شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷.

۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۴۸؛ ارشاد،

مفید، ص ۲۵۵.